

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان :

اقتصاد در مکتب امام سجاد(ع)

پژوهش ، تهیه و تنظیم ؛

جواد عبدل زاده



سامانه جامع محتوای تبلیغی بسته فرهنگی

www.bastefarhangi.ir

حضرت علی بن الحسین، امام زین العابدین(ع) مدت سی و چهار سال بار امانت امامت و هدایت الهی در بین پیروان مکتب علوی را برعهده داشته اند. آنچه امروز به عنوان یادگار مکتب معرفتی امام چهارم بیشتر مورد رجوع شیعیان قرار دارد، "صحیفه سجادیه" در قالب رازونیا‌های امام با خدای بی همتا، مناجات‌های عابدانه‌ای که با عنوان "مناجات خمس عشر" در کتب ادعیه ذکر شده است و رساله‌ای در قالب ۵۱ حق، مشهور به "رساله حقوق" می باشد.

اگر در جستجوی اصول اقتصادی مکتب امام سجاد(ع) در رساله حقوق باشیم، در فصول مختلفی، از جمله حق مال می توانیم به سرفصل بندی این اصول پردازیم. با اینکه حقوق دیگری از جمله حق زکات، حق طلبکار، حق سائل و مسئول نیز بایستی در این بررسی مدنظر باشند. لیکن در این نوشتار درصدد بررسی اصول این مکتب معرفتی در بحث اقتصاد، با استفاده از ادعیه موجود در "صحیفه سجادیه" هستیم. کاری که سخت می نماید، چراکه دعا یعنی ارتباط فرد با خدا و ارائه درخواست‌ها به بارگاه الهی و

استخراج اصولی به عنوان مبانی اقتصادی یک مکتب معرفتی از آن دشوار می باشد. اما این کنکاش باعث می شود باب جدیدی در نوع نگرش به ادعیه های مطروحه از طرف اهل بیت (ع) گشوده شده و کارکرد دعاها در سیستم معرفتی بشر تعریفی نو داشته باشد.

اصول مکتب اقتصادی ترسیم شده از طرف امام سجاده (ع) در ادعیه صحیفه سجادیه را می توان به شرح زیر عنوان بندی نمود (این عناوین حاصل بررسی کل ادعیه و استخراج شده از دعاهای: ۱-۵-۶-۸-۱۳-۱۶-۱۹-۲۰-۲۲-۲۶-۲۷-۳۲-۳۵-۳۷-۴۲-۴۴-۴۵ صحیفه سجادیه می باشد):

• هر موجودی (با بازه زمانی محدود در عمر) دارای سهم و قوتی معلوم و تقسیم شده (بدون امکان افزایش یا کاهش از سوی سایر مخلوقات) از رزق و نعم الهی است.

• نیاز انسان فقط به سوی خداوند است. تا خداوند طیبات رزقش را بر انسان روانه ساخته و او را از غیر خدا بی نیاز و غنی سازد. خدایی که بهایی در باب اعطایش نخواست و منتی برای آن ندارد و جبران آن را نطلبیده است.

• نعمت حمد از طرف خداوند، برای قدردانی انسان از نعم اعطایی به او، قرارداد شده تا انسان از حد انسانیت به حدود حیوانیت سقوط ننماید. قانع بودن به مقدرات الهی و رضایت از قسمت الهی از نشانه های بارز شکر نعم الهی می باشد.

• انسان در مقابل فقر و دریغ شدن رزق از او، ضعف از خود نشان داده و به غیر خدا روی می آورد. اما بایستی انسان بداند که، عطایای توانگران همگی از فضل خداوند است که منع مانعین، نمی تواند کاستی در این اعطا ایجاد نماید.

• انسان برای حفظ آبرو، دوری از منت طولانی و مذمت فراوان در قبال بخشش قلیل عده ای، بایستی با عدم رزق طلبی از دیگران و ثناگویی معطیان، به لطف و مرحمت الهی امیدوار باشد.

• برای داشتن رزق افزون انسان می تواند: در خواست از خداوند برای تسهیل در کسب رزق - درخواست برکت فراوان و بی حساب رزق از خدا در عین دوری از طغیان از فراوانی روزی - درخواست تولیت الهی از بهر کفایت رزق و توسل به قرآن و اهل بیت (ع) برای از بین رفتن تنگدستی و گسترش زندگانی و وسعت ارزاق را به کار ببندد.

• برای داشتن رزق افزون انسان بایستی بر حذر باشد از: کمی قناعت - دست یازیدن به اسراف و اتلاف رزق - فقدان کفاف - خوار شماری تنگدستان و برتری دادن به صاحبان ثروت (عزت و شرافت در بندگی و اعطایی خداست).

• خداوند تبارک و تعالی اسباب دنیوی برای رزق آدمی جعل نموده است از آن جمله: روز روشنایی یافته تا سببی باشد در کسب رزق و شب قرارداد شده برای آرامش از تلاشهای روز. نزول باران برای رویاندن نعم الهی و از بین برنده قحطی و ارزانی نرخ ها در تمامی شهرها است. باران گسترنده گیاهان و نیروورساننده به حیوانات می باشد.

• همچنین خداوند تبارک و تعالی برخی دستورات عبادی را در استمرار رزق موثر و لازم می داند. به عنوان نمونه: انفاق روشی است برای رسیدن به راه هدایت و سعادت که با مضاعف شدن حسنات در قبال انفاق و قرض الحسنه و صدقه، این راه به سلامت و سرعت طی خواهد شد - خالص سازی اموال با ادای حقوق و پاک سازی آن با زکات لازم است - مواسات در باب احتیاج های

همسایگان و دوستان و بخشش فراوان به آنان قبل از درخواست، دستور الهی است-رسیدگی مالی به خانواده سپاهیان اسلام و دوراز وطن الزامی است.

اصول مذکور بابررسی کلیه دعاهای صحیفه حاصل شده.لیکن در دعای ۳۹ و ۳۰ توجه خاصی به مسائل اقتصادی شده است.از همین باب مفاهیم این دو نیایش به صورت مجزا مورد تدبیر قرارداده می شود.این دو دعا با عناوین طلب رزق و ادای دین،شهرت دارند.تامل حاصل در این دو دعا به شرح زیر است:

۱)ناپایداری دنیا و متاعش در مقابل بقای خزان اخروی و لزوم استفاده از این متاع های دنیوی برای رسیدن به قرب الهی و نیل به بهشت.

۲)وعده الهی در باب تکفل رزق از طرف خداوند مورد اشاره صریح در آیات قرآنی بوده و درخواست از خداوند برای وسعت رزق لازم است.

۳)سوء ظن و تشکیک به رسیدن روزی مقسوم الهی ،امتحانی از طرف خداوند است.نشانه این سوء ظن و شک،خواستن رزق از مخلوقین الهی می باشد.

۴)انسان بایستی خواهان یقین و باوری صادق از خدای بی همتا برای رهایی از رنج درخواست و مطالبه رزق و مشغول شدن به این امر ضمانت شده باشد.

۵)دین و قرض باعث:ریختن آبرو-تشویش و مشغولیت ذهن-پراکنده کردن فکر-مشغول شدن طولانی به آن-هم و غم -ربوده شدن خواب-ذلت در دوران حیات-پیامدهایی بعد از مرگ می شود.

۶)برای دوری از دین و قرض بایستی:دوری از اسراف -دوری از افراط - دوری از ولخرجی-رضایت به کفاف - لزوم کسب روزی از راه حلال مدنظر باشد.دارایی مضر می تواند باعث خودپسندی -منجر به ستم و عامل طغیان گردد.

۷)برای زندگی اقتصادی صحیح :بخشنده گی -میانة روی -برنامه ریزی درست در زندگی -انفاق در راه نیک و دوست داشتن مصاحبت با فقرا به بهترین صورت،توصیه می شود.

موارد مذکور به صورت عناوینی مورد اشاره قرارگرفت که هر یک می تواند بحثی مبسوط را در پی داشته باشد.برای رسیدن به مکتب معرفتی مورد نظر اهل بیت(ع) نیز چنین بسطی از طرف عالمان و متفکران لازم و ضروری است.با عنایت به محدودیت این نوشتار،فقط به توضیح یکی از عناوین با عنایت به شعار سال،که همان جهش تولید است، پرداخته می شود.

یکی از اصول اساسی در تولید،تامین سرمایه لازم است.این سرمایه متناسب با شغل و هدف انتخابی متغییر بوده و طبعاً سرمایه گذار برای راه اندازی یا تداوم فعالیت درصدد تامین سرمایه به مقدار موردنیاز می باشد.نکته اساسی در تامین این سرمایه تکیه بیش از حد

جامعه کنونی به منابع قرضی است. به این معنی که هدف به نوعی انتخاب می شود که پشتوانه مطمئن مالی موجود بعلاوه منابع تامین مالی به صورت قرضی شده و متاسفانه اکثرا بخش دوم، بسیار فراتر از سرمایه موجود در نظر گرفته می شود. انتخاب هدف نامتناسب با توان، اصلی را از آغاز فعالیت بر پرونده مالی فرد می افزاید به عنوان دین و قرض. فارغ از اینکه این قرض به صورت وام با درصد های سود بالا یا پایین، یا دین به صورت قرض الحسنه باشد، دارای آفاتی است که از آغاز فعالیت جوانه آماده رشد را در خود پیچیده و تا هرس نشده، گردن آویز درخت تولید و اشتغال خواهد بود.

امام زین العابدین (ع) از قرض و دین به خدای بی همتا پناه برده و از معایب آن سخن می گوید. ایشان یکی از اشکالات اساسی قرض را مشغول شدن فکر و از بین رفتن تمرکز انسان در تصمیم گیری و پیشبرد امور می دانند. این تشویش ذهنی که تا لحظه تسویه دین تداوم داشته و شاید اثرات آن بعد از تسویه نیز گریبانگیر فرد باشد، علاوه بر فکر و روح، جسم را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد. به صورتیکه که حضرت می فرمایند تا حد ربه شده خواب از چشم پیش رفته و آسایش روز و شب جسم و روح را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. هم و غم مقروض به صورت کامل مصروف ادای دین شده و طبعاً پیشرفت در هدف انتخابی دچار چالش خواهد گردید. آیا در چنین اوضاعی می توان به تصمیم گیریهای درست و عمل صحیح امیدی داشت؟

از سوی دیگری فارغ از نمودهای شخصی اثرات قرض در زندگی فردی، این باب دارای آثار اجتماعی نیز خواهد بود که دید جامعه پیرامونی را نسبت به فعالیت اقتصادی رخ داده، از خود متاثر خواهد کرد. حضرت زین العابدین (ع) ذلت و ریختن آبرو را از این تاثیرات بیان می دارند. از طرفی اقدام به گرفتن قرض خود به نوعی سائلی کردن است از غیر. و این سائلی در همان وهله اول از بین بردن آبرو و اعتبار در نزد یک یا جمعی را به همراه داشته و دوری از عزت را به ارمغان خواهد آورد. از طرفی دیگر اگر امکان ادای دین نباشد و یا تاخیری در این پرداخت قرض رخ دهد، طبعاً کل فعالیت اقتصادی ایجاد شده به همراه سرمایه گذار این فعالیت، زیر سوال رفته و آبروی شخص حقیقی و شخصیت حقوقی شکل گرفته، از بین خواهد رفت. این آبرو ریزی تا تسویه کامل دین تداوم و شاید عواقب اجتماعی و قضایی متفاوتی نیز در پی داشته باشد.

آیا آفات این حرکت به ظاهر اقتصادی به اتمام رسید؟ نه. امام چهارم (ع) پیامدهای بعد از مرگ این اقدام را نیز دارای اهمیت فراوان می دانند. عدم ادای دین می تواند بعد از مرگ عاملی برای به زحمت افتادن وارثین شده و تداوم ذلت برای آنها را در پی داشته باشد. از سوی دیگر حق الناس در معارف دینی قابل بخشش از طرف خداوند نیست، مگر به رضایت صاحب حق. پس عدم ادای قرض در این دنیا عاملی خواهد شد برای حساب کشی سخت در آخرت و تسویه حق الناس، که در آخرت امری است بسیار سخت. قابل توجه اینکه چه بسا مومنی مقرب درگاه الهی مدیون کافری مطرود درگاه باشد، لیکن رضایت همان کافر ضروری است و لازم. اما این پیامدها به این بخش محدود نشده و اگر شیوه اخذ قرض حالت ربوی داشته باشد، کیفر شدید الهی را نیز در پی خواهد داشت.

پس قرض و دین به هر عنوان از لحاظ روحی و جسمی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی چیزی نیست غیر از غم و اندوه جانکاه و زیر پا گذاشتن عزت و احتمال تعضیب الهی در آخرت.

چه باید کرد؟ حضرت علی بن حسین (ع) انسان را توصیه می کند که با فاصله گرفتن از اسراف و دوری از افراط و برحذر بودن از ولخرجی و بدخرجی، خود را از اندیشه قرض و مدیون شدن به غیر دور نگه دارد. البته حضرت اصل انتخاب هدف را نیز مدنظر داشته و با اشاره بر اینکه هدف باید بر اصل رضایت به کفاف انتخاب شود، تاکید دارند که انسان از بلندپروازی و اندیشه ورزی برای مال

اندوژی بیش از حد کفاف، که عاملی در جهت خودپسندی و غرور و ستم به غیر است، خودداری نماید و فراموش ننماید که کسب روزی اعطایی الهی، فقط از طریق مورد تایید شرع و با دوری از محرّمات مثمّر ثمر خواهد بود والا غیر از طغیان حاصلی نخواهد داشت.

نتیجه سخن اینکه توان سنجی و تکیه بر پشتوانه مالی و توان و استعداد موجود، اثرات منفی تکیه و پشت گرمی به سرمایه های غیر را از بین برده و انسان را در دنیا و آخرت مقبول الوجه خواهد نمود. انتخاب هدف در این طریق اصلی ترین امر می باشد. تدبیر و تامل در مرحله انتخاب هدف می تواند ما را از نتایج و عواقب هولناک نجات دهد. امید آنکه جهش در تولید با تفکر و تدبیر لازم و برنامه ریزی صحیح همراه شده و فعالین اقتصادی از سقوط در چاه های کنده شده فرصت طلبان و آکلین ربا به دور باشند.